

بسم الله الرحمن الرحيم

## ادعای برتری مطلق مرد بر زن

عبدالحسین شورچه و سمیرا حیاتی

### چکیده

جایگاه هر موجود در جهان هستی تابع اصل عدل و حکمت الهی است، به همین جهت در آفرینش موجودات هیچ‌گونه افراط و تفریطی صورت نگرفته و هرچیزی به جای خود نیکو آفریده شده است. در اسلام ارزش واقعی انسان‌ها به بهای بدنی آنان نیست تا با برخورد با چنین احکامی تصور شود که ارزش زن کمتر در نظر گرفته شده است یا ارزش مرد بیشتر است، بلکه در اسلام ارزش واقعی انسان همان است که در قرآن بدان تصریح شده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳/۴۹) - «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست». در مواردی که مردی در برابر زنی قصاص می‌شود با پرداخت نیمی از دیه قاتل به خانواده او خسارتی که از ناحیه‌ی عدم حضور مرد متوجه آنها می‌شود جبران گردد و این بدان دلیل است که غالباً وظیفه اداره خانواده برعهده مردان است. در واقع خداوند متعال به مقتضای حکمت بالغه خود و مصالح و مفاسدی که پشتوانه احکام اوست و تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد نسبت به یکدیگر، احکام خاص هر یک را معین کرده است.

### کلیدواژه‌ها:

زن، مرد، قصاص.

### مقدمه

قرآن کریم در سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ...» «ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را نیز از او آفرید، پروا دارید.» این آیه و دهها آیه دیگر در قرآن، دلالت بر آن دارند که هم مردان و هم زنان، از یک حقیقت واحد آفریده شده‌اند، به عبارت دیگر، خلقت تمامی مردان و زنان به طور یکسان، به همان زن و مرد نخستین نسبت داده شده است.

ارزش و کرامت انسان از دیدگاه خداوند، تقوا و پارسایی است. «أَنْتِي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ...» (آل عمران / ۱۹۵) «من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگرید، تباه نمی‌کنم.»

تفاوت قصاص زنان با مردان، از جمله موضوعات بحث‌انگیز دوره‌های اخیر بوده و هست. خدای متعال و حکیمی که از خود انسان به او مهربانتر است و تمام قوانین را با علم کامل به ابعاد وجودی انسان به مقتضای نیازهای مادی و معنوی این موجود مدنی براساس حکمت و مصلحت وضع کرده‌است، تمام قوانین موضوعه بین زن و مرد را به مقتضای تناسب وظایف محوله، توانایی، موقعیت اجتماعی و تفاوت‌های تکوینی آنان قرار داده است.

پرسش‌های مطرح شده در این تحقیق به این قرار است:

آیا مرد برتری مطلق بر زن دارد؟

چرا دیه و قصاص زن نصف دیه و قصاص مرد است؟

آیا این حکم اسلام ظلم به جنس زن نیست؟

## تقوا ملاک برتری

خدای متعال جنسیت زن و مرد را سبب امتیاز و برتری آنها قرار نداده است و تنها شرط تقوی را معیار و ملاک برتری زن و مرد می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳/۴۹) - ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ (این‌ها ملاک امتیاز نیست) گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.

بنابراین در دیدگاه قرآن کریم تفاوتی میان زن و مرد در امکان پیمودن راه‌های قرب الهی و کسب مقامات عالی‌تری اخروی نیست و در این میان جنسیت دخالت ندارد. چه زن و چه مرد، هر یک که خردمندانه و در فرصت حیات دنیایی به شایستگی عمل کند، در آخرت نیز پادشاه‌های بزرگ و مقامات عالی را به دست می‌آورد.

شهید مطهری در این باره می‌نویسد: «قرآن در آیات فراوانی تصریح کرده است که پادشاه اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، به ایمان و عمل مربوط است، خواه از طرف زن باشد و یا از طرف مرد. قرآن در کنار هر مرد بزرگ و قدیسی از یک زن بزرگ و قدیسه یاد می‌کند؛ از همسران آدم و ابراهیم و از مادران موسی و عیسی در نهایت تجلیل یاد کرده است. اگر همسران نوح و لوط را به عنوان زنانی ناشایست برای شوهرانشان ذکر می‌کند، از زن فرعون نیز به عنوان زن بزرگی که گرفتار مرد پلیدی بوده است غفلت نکرده است. گویی قرآن خواسته است در داستان‌های خود توازن را حفظ کند و قهرمانان داستان‌ها را منحصر به مردان ننماید.»

(مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۱۹ - ۱۱۸)

در قرآن و داستان‌هایی که آیات الهی بیان می‌دارند، مادر حضرت موسی «علیه السلام» و نیز مادر حضرت عیسی «علیه السلام» به مقامی می‌رسند که به آنها وحی می‌شود و ملائکه با آنها سخن می‌گویند. حضرت مریم «سلام الله علیها» به جایی می‌رسد که از غیب، مواهب الهی به او روزی می‌رسد و بر خوان معنویت و کمالات الهی می‌نشیند.

در قانون قصاص و دیات حکم قصاص و دیه زن و مرد متفاوت است؛ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ» (بقره / ۱۷۸) ای افرادی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد و برده در برابر برده و زن در برابر زن.

اگرچه از مفهوم آیه چنین برداشت می‌شود که آزاد در برابر بنده و مرد در برابر زن کشته نمی‌شود، اما به دلیل وجود روایات صادره از معصومان «علیهم السلام» (که در واقع مفسر و مبین قرآن هستند) و نیز اجماع فقها، حکم قصاص جاری می‌شود مشروط به این‌که اولیای زن نصف دیه را پرداخت نمایند.

در آیه ۴۵ سوره مائده به طور مطلق حکم خداوند را در تورات در مورد قصاص نفس بیان کرده است؛ در آنجا جان آدمی در مقابل جان آدمی قرار گرفته و برای آن قصاص ذکر شده و تفاوتی هم بین جان انسانی از حیث جنسیت و زن یا مرد بودن گذاشته نشده است.

صاحب تفسیر المنار، در این رابطه می‌گوید: «در قرآن دیه به طور مطلق و به صورت نکره آمده است. ظاهر آیه دلالت بر این دارد که آن مقدار دیه که خانواده مقتول را راضی کند کافی است؛ ولی سنت (روایات) میزان دیه را تعیین و بدان‌گونه که معروف و مقبول نزد عرب بوده، مقدار آن را مشخص کرده است؛ به هر حال، اجماع مسلمین این است که دیه مرد مسلمان آزاد یک صد شتر و دیه زن نیز نصف دیه مرد است ولی ظاهر آیه این است که فرقی بین زن و مرد نیست». (رشید رضا، المنار، ۳۳۲/۵)

فقها به اتفاق بر این باورند که زن و مرد مسلمان در برابر یکدیگر قصاص می‌شوند؛ لیکن قصاص نفس مرد در برابر زن مشروط به پرداخت "فاضل دیه" یعنی نصف دیه مرد به اولیای دم او است. (موسوی خمینی، تحریر الوسیله، ۴۶۷/۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ۸۲/۴۲) روایات معتبر و متعددی بر نظریه مذکور دلالت دارد که مورد استناد فقهای شیعه قرار گرفته است.

## حکم قصاص در روایات

از امام صادق «علیه السلام» روایت شده که فرمودند:

«إِذَا قَتَلَتِ الْمَرْأَةُ رَجُلًا قُتِلَتْ بِهِ وَإِذَا قَتَلَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ فَإِنْ أَرَادُوا الْقَوْدَ أَدَوْا فَضْلَ دِيَةِ الرَّجُلِ (عَلَى دِيَةِ الْمَرْأَةِ) وَ أَقَادُوهُ بِهَا وَإِنْ لَمْ يَفْعَلُوا قَبِلُوا الدِّيَةَ دِيَةَ الْمَرْأَةِ كَامِلَةً وَ دِيَةَ الْمَرْأَةِ نِصْفُ دِيَةِ الرَّجُلِ». (حرعاملی، وسایل الشیعه،

۸۱/۲۹ - اگر زنی مردی را به قتل رساند، کشته می‌شود و اگر مردی زنی را به قتل برساند، در صورتی که بستگان زن بخواهند مرد را قصاص کنند باید افزونی دیه مرد نسبت به زن را پرداخت کنند و سپس او را قصاص نمایند و اگر این کار را نکنند باید دیه را بپذیرند؛ یعنی دیه کامل زن که نصف دیه مرد است».

عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «فِي رَجُلٍ يَقْتُلُ الْمَرْأَةَ مُتَعَمِّدًا فَأَرَادَ أَهْلُ الْمَرْأَةِ أَنْ يَقْتُلُوهُ قَالَ ذَلِكَ لَهُمْ إِذَا أَدَوْا إِلَى أَهْلِهِ نِصْفَ الدِّيَةِ وَإِنْ قَبِلُوا الدِّيَةَ فَلَهُمْ نِصْفُ دِيَةِ الرَّجُلِ وَإِنْ قَتَلَتِ الْمَرْأَةُ الرَّجُلَ قُتِلَتْ بِهِ لَيْسَ لَهُمْ إِلَّا نَفْسُهَا» (کلینی، الکافی، ۲۹۸/۷) - حلبی از امام صادق «علیه السلام» درباره مردی که عمداً زنی را به قتل برساند پرسید: آیا اولیای زن حق دارند مرد را به قتل برسانند؟ فرمود: بله چنین حقی دارند اگر نصف دیه را به بازماندگان مرد بپردازند و اگر دیه را انتخاب کردند نصف دیه مرد حق آنان است و اگر زن مردی را به قتل برساند، زن کشته می‌شود و خانواده مرد به جز قصاص از زن حق دیگری ندارند.

در ماده ۲۰۹ قانون مجازات اسلامی نیز آمده است: «هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است، لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به خانواده بپردازد».

ماده ۲۵۸ هم می‌گوید: «هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید».

قرآن قتل بی‌گناهی را به منزله کشتن همه مردم دانسته و تفاوتی میان زن و مرد قایل نمی‌داند بلکه هرکس نفس محترمی را بکشد چنین توییحی شاملش می‌شود: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده/۳۲) همچنین کشتن مؤمن چه زن و چه مرد موجب خلود در آتش است «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ...» (نساء/۹۳) از سوی دیگر می‌دانیم که کفار قتل هریک از زن و مرد برابر است «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةً وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا...» (همان/۹۲)؛ همه اینها نشان می‌دهد تفاوت زن و مرد در قصاص و دیه به جنبه معنوی و انسانی آنها بر نمی‌گردد. آنچه مهم است این است که دیه اساساً بهای جان انسان نیست بلکه صرفاً جبران خسارت مادی است که به شخص وارد می‌شود و اصلاً ارتباطی به ارزش‌گذاری نسبت به شخصیت و جان انسان ندارد؛ اگر قرار بود دیه، قیمت جان انسان‌ها باشد، می‌بایست دیه عالم و جاهل و انسان‌های کارآمد و مفید با انسان‌های غیرمفید، متفاوت باشد، درحالی‌که چنین نیست.

آیت‌الله جوادی‌آملی هم در این باره می‌فرماید: «دیه در اسلام بر معیار ارزش معنوی انسان مقتول نیست، بلکه یک دستور خاصی است که ناظر به مرتبه بدن انسان کشته‌شده است، نشانه آن این است که اسلام بسیاری از افراد اعم از زن و مرد را که دارای اختلاف علمی یا عملی‌اند متفاوت می‌بیند و تساوی آنها را نفی می‌کند، و در عین حال دیه آنها را مساوی می‌داند، مثلاً درباره تفاوت عالم و جاهل می‌گوید:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹/۳۹) - آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند مساویند؟

گرچه از جهت ارزش‌های معنوی ممکن است زنی بیش از مرد نزد خدا مقرب باشد بنابراین تساوی دیه عالم و جاهل نه از ارج و منزلت عالم می‌کاهد و نه بر مقام جاهل می‌افزاید و نیز تفاوت دیه مرد و زن نه بر منزلت مرد می‌افزاید و نه از مقام زن می‌کاهد، زیرا برخی از تفاوت‌های مادی و مالی هیچ‌گونه ارتباطی به مقام‌های معنوی ندارد». (جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، ص ۳۵۰)

### حکمت‌های تفاوت قصاصی زن و مرد

سها معتقد است که هیچ توجیه عقلی و منطقی قابل قبولی برای تفاوت گذاشتن بین زن و مرد، در امر قصاص وجود ندارد.

در پاسخ باید گفت:

«الف) جایگاه عقل و منطق در شریعت، فهم قانون، استنباط حکم از اصول ثابت، انطباق گزاره به مصداق، تعیین موارد و تطبیق کلیات بر جزئیات است نه وضع قانون به نام قانون الهی.

عقل می‌تواند فلسفه بعضی از احکام را درک کند اما از درک فلسفه برخی دیگر از احکام عاجز است.

امام صادق «علیه السلام» فرموده‌اند: «و السُّنَّةُ إِذَا قِيسَتْ مُحَقِّقَ الدِّينِ». (ابن بابویه قمی، شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ۱۱۹/۴)

الزاماً چنین نیست که هرچه شریعت می‌گوید، عقل نیز همان را درک کرده و به آن حکم کند. توجیه منطقی و عقلی در گزاره دین‌مداری آن است که در شریعت به اثبات رسیده باشد.

ب) ناسازگاری پاره‌ای از قوانین شرعی با اندیشه و قوانین رایج در محافل و جوامع غیردینی به این معنا نیست که قوانین دینی، غیرمنطقی است، زیرا که از اصول ثابت دینی، انطباق قوانین آن با مجامع غیردینی نیست و رواج یک قانون در مجامع غیردینی، شاخص درستی و اثبات حکم در حوزه دین‌مداری نیست.

اما اگر منظور آن است که آنچه اندیشه دانشمندان غیردینی، آن را عادلانه نمی‌داند و نابرابر دانستن شخصیت و ارزش زنان و مردان است، باید گفت، دیه به مفهوم معامله شخصیت با پول نیست بلکه به منظور جبران خسارتی است که از حیث کار و درآمد پدیده آمده‌است و گفتیم که پرداخت نصف دیه مرد به بازماندگان او از حقوق ورثه اوست و گرنه انسان پس از مرگ نمی‌تواند مالکیت داشته‌باشد. مواردی که به عنوان مالکیت انسان پس از مرگ مطرح است، چون وصیت به ثلث و یا تعلق (دین) به (ماترک) موضوعات حقوقی است که در زمان حیات او ایجاد شده و از موارد تصرف آدمی در مال خود در زمان زندگی اوست.

ج) گفتگو از ناسازگاری پاره‌ای از قوانین شرعی با اندیشه دانشمندان غیردینی منطقی و یا منطقی نبودن، بحث مبنایی می‌باشد که ما قوانین شریعت را از داخل شریعت و با ایمان و اعتقاد به آن بنگریم و یا از خارج دین و با انکار آن. در این جا باید از اصل شریعت، بحث کرد، نه از قوانین جزئی و جزایی آن.

د) اختلاف در حقوق مادی افراد جامعه، نه در مقایسه‌ی زنان با مردان، بلکه مقایسه افراد جامعه با یکدیگر، امری منطقی و پذیرفته شده است.

در این جا بحث از این نیست که این نظام حقوقی از نظر اسلام، درست است یا خیر؛ بحث از آن است که چنین تفاوتی در واقع، وجود دارد و منطقی و عقلی است؛ زنان در نظام اقتصادی، مسئولیت تأمین مخارج دیگران و حتی خود را برعهده ندارند، بلکه مسئولیت خود او هم برعهده مرد است به عنوان شوهر، پدر و یا برادر؛ اما مرد، مسئولیت اقتصادی همه اعضای خانواده را برعهده دارد.

اگر زنی کشته شود، به امور اقتصادی اعضای خانواده، اختلالی ایجاد نمی‌گردد زیرا بار مالی خانواده بر دوش او نبوده است اما اگر مردی کشته و یا قصاص شود، در امور اقتصادی خانواده اختلال ایجاد می‌شود. بر فرض که قاتل، قصاص گردد و مجازات شود، گناه افراد تحت تکفل او چه بوده است که از معاش، باز بمانند؛ چنان‌که کمک مادی به خانواده‌ی زندانیان مرد، امری معقول و منطقی است، کمک اقتصادی از سوی اولیای زن مقتول به خانواده‌ی قاتل، منطقی و عقلی به نظر می‌رسد.

منطقی و یا غیرمنطقی بودن یک ماده از قوانین مدنی جزایی اسلام را باید در ضمن مجموعه کلی قوانین اسلام مورد ارزیابی قرار داد و ارتباط آن قوانین را با یکدیگر نباید فراموش کرد». (واثقی، زن و قصاص، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۲)

در این جا برای روشن تر شدن مسأله، مطلبی از تفسیر نمونه ذکر می‌گردد: «مردان غالباً در خانواده عضو مؤثر اقتصادی هستند و مخارج خانواده را متحمل می‌شوند و با فعالیت‌های اقتصادی خود چرخ زندگی خانواده را به گردش درمی‌آورند، بنابراین تفاوت میان از بین رفتن مرد و زن از نظر اقتصادی و جنبه‌های مالی بر کسی پوشیده نیست که اگر این تفاوت مراعات نشود خسارت بی‌دلیلی به بازماندگان مرد مقتول و فرزندان بی‌گناه او وارد می‌شود، لذا اسلام با قانون پرداخت نصف مبلغ درمورد قصاص مرد رعایت حقوق همه افراد را کرده و از این خلاء اقتصادی و ضربه نابخشودنی، که به یک خانواده می‌خورد جلوگیری نموده است اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که به بهانه لفظ "تساوی" حقوق افراد دیگری مانند فرزندان شخصی که مورد قصاص قرار گرفته پایمال گردد. البته ممکن است زنانی برای خانواده خود، نان‌آورتر از مردان باشند، ولی می‌دانیم احکام و قوانین بر محور افراد دور نمی‌زند بلکه کل مردان را با کل زنان باید سنجید». (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۶۱۱/۱ و

(۶۱۲)

علامه نوری نیز در این رابطه می‌فرماید: «این تفاوت نه بر اثر ارزش انسانی آنهاست چون در ارزش انسانی زن و مرد مساوی‌اند بلکه مربوط به تأثیر اقتصادی مرد در محیط خانواده از نظر اسلام است زیرا مرد موظف است بار نفقات عایله و خانواده را عهده‌دار باشد اما این مسئولیت برعهده زن نیست». (نوری، حقوق زن در اسلام و جهان، ص ۲۴۵)

بنابراین طبق مطالب ارائه شده، حکمت تفاوت قصاص زن و مرد به نوع مسئولیت آنان در خانواده و جامعه و نیز به جایگاه اقتصادی هریک از زن و مرد برمی‌گردد، نه به ارزش واقعی آنان.

### نتیجه‌گیری

این تحلیل که جنبه اقتصادی دارد، مبتنی بر برداشت‌های عقلی است و تنها می‌توان آن را حکمت حکم دانست و نه علت آن. از این روی نمی‌تواند مبنای توسعه، تضییق و یا تغییر در احکام قصاص و دیات گردد و تغییر شرایط - به‌گونه‌ای که اگر زنانی امتیازات تحصیلی و اجتماعی به دست آورند و یا با سرپرست خانوار و نان‌آور خانواده شدن، تعهد و مسئولیت بیشتری متوجهی آنان گردد - باعث نمی‌شود که قانون تغییر یابد، زیرا قانون برای عموم جامعه وضع می‌شود و هرگز برای موارد استثنایی قانون جعل نمی‌گردد از طرفی قطعاً در زمان پیامبر خدا و امامان معصوم «علیهم‌السلام» نیز موارد استثنایی وجود داشته و زنانی دارای امتیازاتی بوده‌اند که به خاطر دارا بودن آن امتیازات، برتر از مردان تلقی می‌شدند، ولی هرگز به دلیل وجود آنان قاعده‌ی کلی تغییر نکرد.

### منابع:

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، ۱۴۰۴ هـ. ق، چاپ دوم.
- ۳- جوادی آملی، عبدالله، زن در آئینه جلال و جمال، بی‌جا، مرکز نشر اسراء، بی‌جا، ۱۳۸۲ هـ. ش، چاپ هفتم.
- ۴- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ هـ. ش، بی‌جا.
- ۵- سها، نقد قرآن، ویرایش دوم.
- ۶- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ هـ. ش، بی‌جا.
- ۷- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۵ هـ. ش / محرم ۱۴۲۸ هـ. ق، چاپ چهل و چهارم.

- ۸- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ه.ش، چاپ اول.
- ۹- موسوی خمینی، سیدروح الله، تحریرالوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، قم، ۱۳۷۶ ه.ش / جمادی الثانی ۱۴۱۸ ه.ق، چاپ اول.
- ۱۰- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۶۷ ه.ش، چاپ سوم.
- ۱۱- نوری، یحیی، حقوق زن در اسلام و جهان، انتشارات نوید نور، تهران، ۱۳۸۵ ه.ش، چاپ ششم.
- ۱۲- واتقی، محمدحسین، زن و قصاص، فصلنامه کتاب نقد، شماره ۱۲، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، پاییز ۱۳۷۸ ه.ش.

## **Abstract**

Position of every living thing in the universe is subject to the principle of justice and divine wisdom, hence there are no extremes and exaggeration in the creation of the creatures and everything in its own place has been created well.

In Islam, a real human worth is not the cost of their body in order to deal with such sentences and to be imagined that the woman is considered less or worth of a man is more, but in Islam, the real value of man is the same as clearly stated in the Qur'an: Verily, the most honorable of you with Allah is the most virtue of you (Hujrat, ۳۹).

In cases, where a man against a woman is retributed, he should pay half of the blood money to the family's murderer damage in order to compensate man's absence, and this is because of the responsibility of men in the families.

In fact, the almighty God has determined specific provisions, according to his effective wisdom, the advantages and corruptions that would support his commandments as well as Physical and emotional differences between men and women towards each other, toward each of them.

**Key words:** Men, women, retaliation